



وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ يُنْعَثُونَ. يَوْمَ لَا

يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ



جامعة العلامة الطباطبائي

كلية اللغة الفارسية وآدابها

قسم اللغة العربية وآدابها

# السياق ودوره في عملية فهم النص دراسة نظرية تطبيقية في أي الذكر الحكيم

(بحث مقدم لنيل درجة الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها)

**الأستاذ المشرف:**

الدكتور حميد رضا ميرحاجي

**الأستاذ المشرف المساعد:**

الدكتور رضا ناظميان

**الأستاذ المشرف المساعد:**

الدكتور محمد هادي مرادي

**إعداد:**

يوسف نظري

طهران

١٣٩٢ هجرية شمسية / ١٤٣٤ هجرية قمرية

**فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه**  
**کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی**

<b>عنوان:</b> السياق و دوره فی عملیة فهم النص دراسة نظریة تطبیقیة فی آی الذکر الحکیم	
<b>نویسنده / محقق:</b> یوسف نظری	
<b>مترجم:</b> —	
<b>استاد راهنما:</b> دکتر حمیدرضا میرحاجی <b>استاد مشاور:</b> دکتر محمدهادی مرادی و دکتر رضا ناظمیان	
<input type="checkbox"/> <b>کتابنامه:</b>	<input checked="" type="checkbox"/> <b>واژه‌نامه:</b>
<input checked="" type="checkbox"/> <b>نوع پایان‌نامه:</b> بنیادی	<input type="checkbox"/> <b>توسعه‌ای</b>
<input type="checkbox"/> <b>کاربردی</b>	
<b>مقطع تحصیلی:</b> دکتری	<b>سال تحصیلی:</b> ۹۲-۱۳۹۱
<b>محل تحصیل:</b> تهران <b>نام دانشگاه:</b> علامه طباطبائی <b>دانشکده:</b> زبان و ادبیات فارسی	
<b>تعداد صفحات:</b> ۵۳۱	<b>گروه آموزشی:</b> زبان و ادبیات عربی
<b>کلید واژه‌ها به زبان فارسی:</b> معنا، بافت زبانی، بافت غیرزبانی، قرآن کریم	
<b>کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:</b> Meaning, Context, Co-text, Holy Quran	

<b>چکیده</b>
<p><b>الف. موضوع و طرح مسأله (اهمیت موضوع و هدف):</b></p> <p>زبان از دیرباز رایج‌ترین ابزار ارتباطی انسان بوده است. رفته رفته با تحول فکر بشر و گسترش جامعه انسانی، زبان نیز متحول گردید و از شکل ساده خود به ساختاری پیچیده مبدل گشت. با پیدایش خط و انتقال مفاهیم از طریق نوشتار، این پیچیدگی دو چندان شد، و این قابلیت قوت گرفت که در فهم معنای مدنظر اختلاف نظرهای شدیدی پدید آید. اختلاف‌هایی که گاه تبعات سنگینی همچون جنگ‌ها و خونریزی‌ها را نیز در پی داشته است. این دشواری در معنایابی زمانی فزونی می‌یابد که سده‌های طولانی از زمان تدوین اثر گذشته باشد. چرا که فاصله زمانی مستلزم وجود تفاوت در ساختارهای امروز و دیروز زبان است، تفاوت‌هایی که فهم‌های مختلفی را در پی خواهند داشت. افزون بر اینکه اختلاف فرهنگی و اجتماعی میان دوره‌ها خود بر دشواری این فرآیند مهم می‌افزاید.</p> <p>اهمیت و حساسیت موضوع، اهالی زبان را واداشته تا با اتخاذ تدابیر و ابزارهایی از یک سو در صدد رفع موانع امر معنایابی برآیند و از سوی دیگر، سطح بالاتری از صحت را برای آن تضمین نمایند. یکی از ابزارهای کارآمد، مقوله بافت کلام و توجه به مؤلفه‌های درون‌زبانی و برون‌زبانی آن</p>

می‌باشد. امری که در مطالعات جدید به عنوان یک نظریه نو، با شخصیت‌هایی همچون *مالینوفسکی*، *فرث*، *هالیدی* و *لاینز* عجین گشته است. اما واکاوی میراث زبان‌شناسان مسلمان حاکی از توجه خاص ایشان به این مقوله‌ها می‌باشد. در این پژوهش برآنیم تا با بررسی بافت از دیدگاه زبان‌شناسی قدیم و معناشناسی جدید از یک سو به بررسی تاریخ این اندیشه بپردازیم و از سوی دیگر، کاربرست این نظریه را در باب فهم معنای قرآن که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است نشان دهیم.

#### **ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:**

از جمله پرسش‌هایی که در این تحقیق مدنظر بوده است عبارتند از:

- بافت چیست و چه انواع و عناصری را شامل می‌شود؟
  - دیدگاه پیشگامان نحو و بلاغت عربی درباره بافت کلام چیست؟
  - زادگاه نظریه بافت در مطالعات جدید کجاست و در چه رویکردهایی استمرار یافته است؟
  - مطالعات جدید این حوزه چه دستاوردهایی را بر مطالعات قدیم افزوده است؟
  - چگونه می‌توان سازوکارهای نظریه بافت را در فهم قرآن به خدمت گرفت؟
- با توجه به این پرسش‌ها فرضیه‌های پژوهش نیز از این قرار است:
- بافت مجموعه عناصری است که کلام را در بر گرفته است و با آن ارتباط دارد. این عناصر یا زبانی هستند که شامل سطوح زبانی و بافت متنی می‌شوند، و یا برون‌زبانی می‌باشند که به بافت موقعیت و بافت فرهنگی قابل تقسیم هستند.
  - بیشتر علمای نحو و بلاغت به هر دو نوع بافت توجه داشته‌اند. البته از آنجا که نگاه ایشان به زبان میان‌نگرش اجتماعی یعنی توجه به مؤلفه‌های برون‌زبانی، و محدود شدن به ساختار زبانی محض در نوسان است، رویکردها در خصوص بافت یکدست و ثابت نیست. از این‌رو بایست به زبان‌شناسی قدیم به عنوان یک کلیت واحد نگریست تا بتوان در پرتو دیدگاه‌های مختلف، طرح جامعی در خصوص بافت و کارآمدی آن در حوزه کاربرست حاصل نمود.
  - افراط ساختارگرایی در بررسی زبان به دور از عناصر خارجی احاطه‌کننده آن، باعث گردید جریانی علیه این رویکرد پدید آید و زبان را در پرتو عناصر خارجی (بافت موقعیت) بررسی نماید. این اندیشه که به عنوان نظریه بافت ظهور یافت بعدها از جمله بن‌مایه‌های اصلی کارکردگرایی، تحلیل‌گفتمان و زبان‌شناسی متن قرار گرفت.
  - اگر به زبان‌شناسی قدیم به عنوان یک کلیت پیوسته نگریسته شود و آرای قدما در خصوص گفتمان زبانی و غیرزبانی دیده شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که ایشان گوی سبقت را قرن‌ها، پیش از متفکرین مذکور ربوده‌اند،
  - هر یک از بافت‌های زبانی و برون‌زبانی به عناصر متعددی تقسیم می‌شوند که بایست همگی در فرآیند فهم معنا لحاظ شوند اما این به معنای استقلال این عناصر نیست بلکه معنا در پرتوی تمامی

این عناصر فهمیده می‌شود. از این‌رو در فهم معنای قرآن نیز به عنوان یک متن می‌بایست به تمامی مؤلفه‌های زبانی و غیرزبانی توجه داشت.

**پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روشهای نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:**

روش تحقیق حاضر کتابخانه‌ای است. بر همین اساس تلاش شده تا پیشینه موجود تا جای ممکن جمع‌آوری و مطالعه شود. در خصوص مباحث مربوط به نظرات قدما، مطالب از کتاب‌های ایشان استخراج شده است و با شواهد متعدد تبیین گردیده است. در حوزه تطبیق تلاش شده تا در پرتوی کارهای صورت گرفته و با نقد و بررسی و کنکاش، طرح جامعی ارائه شود. همچنین با استناد به آیاتی که نقش این مسائل در فهم آن‌ها پررنگ‌تر است کارکرد طرح نشان داده شده است. ضمناً با بررسی ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن به عنوان مشهودترین نموده‌های فهم قرآن، اهمیت مقوله بافت کلام در فهم معنا تبیین شده است.

**ت. یافته‌های تحقیق:**

برخی از مهمترین یافته‌های این پژوهش عبارتند از:

- قدما از همان آغاز پژوهش‌های زبانی، مقوله بافت کلام را مد نظر داشته‌اند. این توجهات در قالب تحلیلاتی که سیبویه در *الکتاب* انجام داده است مشهود می‌باشد. مباحث نظری این مقوله در آثار زبان‌شناسان بعدی از جمله *جاحظ*، *ابن جنی*، *عبدالقاهر جرجانی*، و *حازم قرطاجنی* مطرح گردیده است.
- اصطلاح «سیاق» در مطالعات قدیم بر مقوله «بافت زبانی» اطلاق شده است. قدما برای بیان مقوله «بافت غیرزبانی» از اصطلاحاتی چون «الحال»، «الحال المشاهده»، و «المقام» استفاده نموده‌اند. البته شواهد حاکی از این است که اصطلاح «الحال» در مواردی به معنای «بافت زبانی» می‌باشد.
- بیشتر نقطه‌نظرات معناشناسی جدید در خصوص بافت کلام را می‌توان در پژوهش‌های زبانی قدما یافت، به‌گونه‌ای که پژوهش‌های جدید گاه به بازسازی این افکار، و چارچوب‌مند ساختن آن‌ها تشابه بیشتری دارد تا ارائه یک اندیشه نو.
- قدما از توجه به بافت اهدافی از جمله ارزیابی سطح بلاغت کلام، تحلیل معنای متن، و بازآفرینی بافت برون‌زبانی مفقود، از خلال بافت زبانی موجود داشته‌اند و از آن به منظور دریافت معنا استفاده نموده‌اند. این در حالی است که در مطالعات جدید اصولاً بافت به منظور فهم معنا مورد توجه قرار می‌گیرد.
- معیار قدما در بافت زبانی، گاه از جمله تجاوز می‌کند و به متن می‌رسد و بر همین اساس گاه قرآن کریم یک متن دانسته می‌شود و آیات آن با توجه به کلیت قرآن فهم می‌شود. البته رویکرد قدما در این موارد همواره ثابت نیست. کما اینکه اغلب پژوهش‌های ایشان در حوزه بافت برون‌زبانی، از

چارچوب نظری متقنی برخوردار نیستند و از خلال تحلیلات و اشارات مطرح شده در خلال مسائل دیگر قابل استخراج می‌باشند.

- کاربرد اصطلاحات جدید در مورد رویکرد قدما با واقعیت انطباق ندارد و در اغلب موارد نارسا می‌باشد. برای نمونه نمی‌توان شیوه سیبویه را توصیفی و شیوه ابن هشام را معیاری دانست. زیرا علی‌رغم شباهت شیوه‌های ایشان با آنچه در زبان‌شناسی جدید تحت این عناوین مطرح می‌شود میان رویکرد قدیم و جدید تفاوت‌های اساسی وجود دارد که برخاسته از تفاوت در اهدافی است که هر گروه دنبال نموده‌اند.

- در خصوص تحلیل گفتمان شباهت بسیاری میان نگاه هایمز و حازم قرطاجنی وجود دارد، به‌گونه‌ای که مقایسه الگوهایی که ارائه نموده‌اند از وجود یک شباهت کامل حکایت می‌کند.

- برای طرح‌ریزی الگویی جامع در خصوص مقوله بافت نباید به یک شخصیت و یا یک مکتب بخصوص اکتفا کرد، بلکه می‌بایست به میراث زبان‌شناسی قدیم به عنوان یک کلیت واحد نگریسته شود.

- بررسی اقوال مفسران و ترجمه‌های مختلف نشان می‌دهد که آگاهی یا عدم آگاهی نسبت به مولفه‌های بافت می‌تواند به خوانش متفاوت از متن و در نهایت به ترجمه کاملاً متفاوت منجر شود.

- علی‌رغم کارایی بسیار بالای نظریه بافت در عرصه کاربردی، بر سر راه این نظریه موانعی وجود دارد که گاه عملاً آن را ناکارآمد می‌سازد. از جمله: نارسایی‌های خود زبان که گاه همزمان وجوه مختلفی را می‌توان بر آن مترتب کرد، ضعف به کاربرندگان زبان، عدم امکان گردآوری اطلاعات تمامی عناصر نظریه به ویژه در خصوص متون قدیمی و از جمله قرآن کریم، ضعف به کارگیرنده نظریه چراکه تنها نظریه مهم نیست بلکه فرد مفسر بایست از توانمندی لازم برخوردار باشد.

#### **ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادها:**

در خصوص مقوله بافت به نظر می‌رسد هنوز جای کار بسیار است. بایست تلاش کرد الگویی جامع‌تر و متقن‌تر استخراج نمود و بر اساس آن کتاب‌هایی جهت آموزش روشمند فهم متن از جمله تفسیر، ترجمه، تحلیل شعر، نقد رمان و داستان و ... تدوین کرد. از سوی دیگر در همین راستا و با همین رویکرد به نظر می‌رسد بسیاری از مباحث کتاب‌های درسی و آموزشی زبان و ادبیات عربی از جمله نحو، بلاغت، ترجمه، تحلیل متون و ... بایست بازنگری شوند تا با توجه به مقوله بافت و به خصوص بافت موقعیتی و فرهنگی آموزش داده شوند. به تبع این تلاش‌ها می‌توان امید داشت در عرصه‌های فهم معنا همچون تفسیر و ترجمه قرآن، بتوان شاهد نتایج بهتری بود.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نماییم.

**نام استاد راهنما / سمت علمی / نام دانشکده:**

**رئیس کتابخانه:**

إلى

**والديّ**

اللذين أرايني عاجزا عن شكرهما أو إيفائهما بعض حقهما

**أهدي ثمرة جهدي المتواضع**

جزاهما الله عني أحسن الجزاء في الدنيا و الآخرة



**أقدم بجزيل الشكر والامتنان إلى**

**جميع أساتذتي في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة العلامة الطباطبائي**

**وأخص بالذكر أستاذي المشرف الدكتور ميرحاجي**

**والأستاذ الدكتور مرادي والأستاذ الدكتور ناظميان كمشرفين مساعدين على هذه الأطروحة**

**كما أشكر الأستاذ الدكتور گنجیان رئيس القسم.**

«این رساله با حمایت دانشگاه علامه طباطبائی اجرا شده است»

## چکیده

معنای هسته‌ای واژه «سیاق» تتابع و توالی است. بر این اساس تتابع سطوح زبانی و توالی هدفمند کلام، سیاق لغوی نامیده می‌شود و شامل سطوح واژگانی، صرفی، نحوی، و همچنین بافت متنی می‌باشد. مسائل برون‌زبانی یعنی مؤلفه‌های بافت موقعیت و بافت فرهنگی که همچون زنجیره‌ای، کلام را در بر گرفته‌اند سیاق غیرزبانی گفته می‌شوند. این اندیشه در مطالعات جدید در نظریه بافت تبلور می‌یابد، اما تنها به آن محدود نمی‌شود و بن‌مایه کارکردگرایی، تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متن نیز قرار می‌گیرد. علمای قدیم به هر دو نوع بافت توجه داشته‌اند، اما شواهد حاکی از این است که اصطلاح سیاق در میراث قدیم جز در اشاراتی گذرا، همواره بر بافت زبانی اطلاق شده است. از سوی دیگر اصطلاحاتی همچون «الحال»، «الحال المشاهده»، و «سیاق القصة» بر بافت برون‌زبانی دلالت دارند. توجه قدما به سطوح زبانی امری بدیهی و غیر قابل انکار است، به همین خاطر در این پژوهش بر بافت غیرزبانی تاکید شده است. در خصوص بافت متنی گاه معیار از جمله تجاوز می‌کند و به متن می‌رسد و بر همین اساس در برخی روش‌های تفسیری قرآن کریم یک متن دانسته می‌شود و آیات آن با توجه به کلیت قرآن فهم می‌شوند. اما از آنجا که نگاه ایشان به زبان، میان نگرش اجتماعی یعنی توجه به مؤلفه‌های برون‌زبانی، و نگرش زبانی محض در نوسان است، دیدگاه‌ها در خصوص بافت برون‌زبانی ثابت و یکدست نیست. از این رو برای طرح‌ریزی الگویی جامع در خصوص مقوله بافت می‌بایست به میراث زبان‌شناسی قدیم به عنوان یک کلیت واحد نگریسته شود. از سوی دیگر همان‌گونه که بایست پیشدستی قدما در این مسائل را ارج نهاد، از اغراق‌گویی نیز باید پرهیز کرد. علمای قدیم و جدید از توجه به بافت هدف واحدی را دنبال نکرده‌اند. قدما در پی اهدافی همچون ارزیابی سطح بلاغت کلام، تحلیل معنای متن، و بازآفرینی بافت برون‌زبانی مفقود از خلال بافت زبانی موجود بوده‌اند و از آن به منظور دریافت معنا استفاده نموده‌اند. حال آنکه در نظریات جدید اصولاً هدف از توجه به بافت، فهم معنا می‌باشد. برای تطبیق این نظریه بایست آن را به مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن تفکیک کرد تا سهم تمامی آن‌ها به هنگام فهم معنا لحاظ گردد. اما این بدین معنا نیست که یک مؤلفه مستقل از دیگری عمل می‌کند بلکه در جمع‌بندی بایست همه را در کنار هم دید. بررسی آراء مفسران و ترجمه‌های قرآن گویای این است که توجه و یا عدم توجه به بافت تاثیر مستقیمی در فهم معنا دارد. البته علی‌رغم کارایی بالای نظریه بافت، گاه در عرصه کاربرست موانعی وجود دارد که عملاً نظریه را ناکارآمد می‌سازد. برخی از این موانع عبارتند از: پیچیدگی‌های خود زبان، ضعف طرفین گفتمان در کاربرد زبان، عدم امکان گردآوری اطلاعات تمامی عناصر نظریه، و ناتوانی به‌کارگیرنده نظریه به خاطر نداشتن شایستگی‌های لازم.

**کلید واژه‌ها:** معنا، بافت زبانی، بافت برون‌زبانی، قرآن کریم

## الملخص

إن المعنى المركزي لكلمة «السياق» هو التابع والإيراد والتوالي. فالسياق اللغوي هو ما تم سرده أو إيراده من الكلام مشتملاً على المستويات المعجمية والصرفية والنحوية، وأيضاً على السياق النصي. وعلى هذا الأساس إن السياق غير اللغوي يعني كل ما يكتنف الكلام وليس من معدنه، وهو يشمل سياق الموقف والسياق الثقافي. تبلورت هذه الفكرة في الدراسات الجديدة في نظرية تعرف بالسياقية إلا أنها لم تنحصر فيها بل أصبح جوهرها للتداولية وتحليل الخطاب و علم اللغة النصي. لقد اقتصرت القدماء بكلا النوعين من السياق، غير أن موارد استعمال مصطلح السياق في آثارهم تدل على أنهم لم يطلقوا هذا المصطلح على السياق غير اللغوي إلا في إشارات قليلة عابرة. وعبروا عن السياق غير اللغوي بمصطلحات نحو «الحال»، و «الحال المشاهدة» و «سياق القصة». إن اهتمام القدماء بالسياق اللغوي أمر بديهي ومن هذا المنطلق تم التركيز على السياق غير اللغوي. وقد يتجاوز معيارهم في السياق النصي حدود الجملة حتى يشمل النص فيعتبر القرآن نصاً تفسر آياته على ضوء القرآن بأجمعه. وأما نظرهم إلى اللغة فتتذبذب بين نظرة اجتماعية ونظرة لغوية محضة، وهذا الأمر يجعل آرائهم تجاه السياق غير اللغوي مضطربة. إذن يتطلب رسم تخطيط متكامل لفكرة السياق التراثية، النظر إلى جهود القدماء كهيكلية مترابطة واحدة. فعلى تبجيل جهود القدماء كرواد السياقية ولكن غير متجانف للإغراق. من جانب آخر لقد اختلف القدماء والجدد في الأهداف المنشودة، وأما القدماء فقد تبتّعوا في السياق معياراً لتقويم مستوى فصاحة الكلام وبلاغته، وفهم المعنى المراد، واسترجاع السياق غير اللغوي المفقود من خلال السياق اللغوي الراهن. هذا وبينما العلماء الجدد قد ارتكزوا على السياق كآلية لتحليل الكلام والتوصل إلى معناه. وأما في حيز التطبيق فمن الواجب أن يفكك المفسر سياق الكلام إلى مؤلفاته اللغوية وغير اللغوية لكي لا يتغافل عن بعضها في استنباط المعنى. غير أن هذا لا يعني إستقلالية بعض هذه المؤلفات من بعض، بل يجب أن يفهم المعنى على ضوء جميعها. إن دراسة بعض الآراء التفسيرية وترجمات القرآن إلى الفارسية والإنجليزية وفقاً لهذا الأسلوب كشفت عن دور هذه المؤلفات المصيري في المعنى المستنبط. وأخيراً نخلص إلى أن النظرية السياقية وإن تميّز بطاقت كبيرة في عملية فهم المعنى لكنها قد تواجه عوائق تمنعها من إنجاز الهدف الذي تنشده. ومن هذه العوائق هي: غوامض اللغة ذاتها، ضعف المشاركين في الخطاب في استعمال اللغة، عدم تحقق حلم النظرية في استذكار جميع المعلومات التي تتطلبها مؤلفات السياق، عجز المفسر في تطبيق النظرية لعدم وجود المؤهلات اللازمة فيه.

**الكلمات المفتاحية:** المعنى، السياق اللغوي، السياق غير اللغوي، القرآن الكريم

## فهرس المحتويات العام

١٨	المقدمة
٩٥٦	الباب الأول: المبادئ والأصول
١١	الفصل الأول: السياق لغة واصطلاحاً
٤٦	الفصل الثاني: أنواع السياق وقضاياها
٥٧-١٧٦	الباب الثاني: السياق في مسار الدرس اللساني
٥٩	الفصل الأول: السياق نظريّة في الدرس اللساني الحديث
٦٠	مناهج اللسانيات الحديثة
٦١	المدرسة البنيوية والاتجاهات الحديثة
٨١	الفصل الثاني: السياق فكرة مألوفة في الدرس اللساني القديم
٨٣	فكرة السياق في الجهود النحوية
١٤٠	فكرة السياق في الجهود البلاغية
١٧١	وظيفة السياق من منظور اللغويين القدماء
١٧٧-٣٨٠	الباب الثالث: السياق اللغوي و السياق غير اللغوي القضايا و التطبيق
١٧٩	الفصل الأول: السياق اللغوي القضايا و التطبيق
١٨٠	مستويات السياق اللغوي
٣٠٣	السياق النصي
٣١٠	الفصل الثاني: السياق غير اللغوي القضايا و التطبيق
٣١٣	سياق الموقف
٣٣٥	السياق الثقافي
٣٤٧	اللغة الجانبية
٣٨١	الخاتمة
٣٨٧	الملخص بالفارسية
٤٥٩	المسارد

## فهرس المحتويات التفصيلي

المقدمة.....	١
<b>الباب الأول: المبادئ والأصول.....</b>	<b>٩٥٦</b>
الفصل الأول: السياق لغة واصطلاحاً.....	١١
المبحث الأول: السياق لغة.....	١١
المبحث الثاني: السياق اصطلاحاً.....	١٥
مصطلح السياق في الدراسات القديمة.....	١٧
أول من استخدم السياق كمصطلح.....	١٧
مصطلح السياق في التراث اللغوي.....	٢٠
المصطلحات المرادفة للسياق غير اللغوي.....	٢٨
مصطلح السياق في الدراسات الجديدة.....	٣٧
مصطلحاتنا في هذه الدراسة.....	٤٤
<b>الفصل الثاني: أنواع السياق وقضاياها.....</b>	<b>٤٦</b>
المبحث الأول: أنواع السياق.....	٤٦
المبحث الثاني: قضايا السياق اللغوي.....	٥٢
المبحث الثالث: قضايا السياق غير اللغوي.....	٥٥
<b>الباب الثاني: السياق في مسار الدرس اللساني.....</b>	<b>٥٧-١٧٦</b>
الفصل الأول: السياق نظرياً في الدرس اللساني الحديث.....	٥٩
المبحث الأول: مناهج اللسانيات الحديثة.....	٦٠
المبحث الثاني: المدرسة البنيوية والاتجاهات الحديثة.....	٦١
البنيوية.....	٦٢
السياقية.....	٦٦
التداولية.....	٧١
تحليل الخطاب و علم اللغة النصي.....	٧٧
<b>الفصل الثاني: السياق فكرة مألوفة في الدرس اللساني القديم.....</b>	<b>٨١</b>
المبحث الأول: فكرة السياق في الجهود النحوية.....	٨٣
مناهج علم اللغة القديمة.....	٨٣
أئمة النحو والسياق.....	٩٣

٩٣	فكرة السياق لدى سيويه.....
٩٣	المدرسة البصرية.....
٩٧	فكرة السياق.....
٩٨	المخاطب.....
١٠٤	المرسل.....
١٠٩	المقام.....
١١٥	النظام.....
١١٧	القناة.....
١١٩	فكرة السياق لدى ابن جني.....
١١٩	المدرسة البغدادية.....
١٢٠	فكرة السياق.....
١٣١	فكرة السياق لدى ابن هشام الأنصاري.....
١٣١	المدرسة المصرية.....
١٣٢	فكرة السياق.....
١٤٠	<b>المبحث الثاني: فكرة السياق في الجهود البلاغية.....</b>
١٤٠	مسار الدرس البلاغي.....
١٤١	القرطاجني وعناصر الخطاب.....
١٤٦	أئمة البلاغة والسياق.....
١٤٦	المخاطب.....
١٥٢	المرسل.....
١٥٦	المقام.....
١٦٦	القناة.....
١٧١	<b>المبحث الثالث: وظيفة السياق من منظور اللغويين القدماء.....</b>
١٧٧-٢٨٠	<b>الباب الثالث: السياق اللغوي و السياق غير اللغوي؛ القضايا والتطبيق.....</b>
١٧٩	<b>الفصل الأول: السياق اللغوي؛ القضايا والتطبيق.....</b>
١٨٠	المبحث الأول: مستويات السياق اللغوي.....
١٨٠	المستوى المعجمي.....
١٨٠	المشترك اللفظي.....

١٨٠	المشترك اللفظي في الدراسات القديمة.....
١٨٣	المشترك اللفظي في الدراسات الجديدة.....
١٨٦	المشترك اللفظي و الظواهر المشابهة.....
١٩٠	المشترك اللفظي في القرآن الكريم.....
١٩١	السياق و المشترك اللفظي.....
٢٠٠	المتشابه اللفظي.....
٢٠٥	السياق و المتشابه اللفظي.....
٢٠٦	التغير الدلالي.....
٢١٠	تخصيص المعنى.....
٢١٥	تعميم المعنى.....
٢١٨	رقي الدلالة.....
٢٢٢	انحطاط الدلالة.....
٢٢٤	النقل من موضع إلى آخر بلا تغير في السعة و الشأن.....
٢٢٧	اجتماع أكثر من مظهر للتغير الدلالي في كلمة واحدة.....
٢٢٩	<b>المستوى الصرفي.....</b>
٢٣٨	التماثل الصيغي.....
٢٣٨	احتمالات اللبس في الأسماء.....
٢٥١	احتمالات اللبس في الأفعال.....
٢٥٤	احتمالات اللبس بين الاسم و الفعل.....
٢٥٥	احتمالات اللبس في الحروف.....
٢٥٦	احتمالات اللبس بين الحرف و الاسم.....
٢٥٩	احتمالات اللبس بين الحرف و الفعل.....
٢٦٠	التعدد المعنوي الصيغي.....
٢٦٦	تعدد الصيغ للمعنى الواحد.....
٢٧٢	<b>المستوى النحوي.....</b>
٢٧٤	القرائن النحوية.....
٢٧٩	المشترك القواعدي النحوي.....
٣٠٣	<b>المبحث الثاني: السياق النصي.....</b>

٣١٠	الفصل الثاني: السياق غير اللغوي؛ القضايا والتطبيق
٣١٣	المبحث الأول: سياق الموقف
٣١٥	المرسل والمتلقي
٣٢٣	الزمان والمكان
٣٢٧	الموضوع والحدث
٣٢٩	القناة والنظام
٣٣١	المفتاح
٣٣٤	الغرض
٣٣٥	المبحث الثاني: السياق الثقافي
٣٤٧	المبحث الثالث: اللغة الجانبية
٣٤٨	اللغة الجانبية الصوتية
٣٤٩	الوقف
٣٥٢	التنغيم
٣٥٩	السكت
٣٦٤	النبر
٣٦٧	التزمين
٣٦٨	اللغة الجانبية غير الصوتية
٣٧٣	أنواع اللغة الجانبية غير الصوتية
٣٧٥	دور اللغة الجانبية غير الصوتية في فهم المعنى
٣٨١	الخاتمة
٤٨٧-٤٧٣	الملخص بالفارسية
٣٨٨	الباب الأول
٣٩٧	الباب الثاني
٤٢٣	الباب الثالث
٤٥٩	المسارد
٤٦٠	الآيات القرآنية
٤٧١	الأحاديث الشريفة
٤٧٣	الآيات الشعرية
٤٧٥	الأعلام



المصطلحات.....٤٩٢-٥١٥

عربي فارسي إنجليزي.....٤٩٢

فارسي عربي إنجليزي.....٥٠١

إنجليزي فارسي عربي.....٥٠٨

المصادر والمراجع.....٥١٦-٥٣١

الكتب.....٥١٦

الكتب العربية.....٥١٦

الكتب الفارسية.....٥٢٥

الكتب الإنجليزية.....٥٢٧

الرسائل والأطاريح.....٥٢٧

المقالات.....٥٢٨

المقالات العربية.....٥٢٨

المقالات الفارسية.....٥٣١

المقالات الإنجليزية.....٥٣١

البرامج الحاسوبية.....٥٣١

المواقع الإلكترونية.....٥٣١

## مقدمة

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على سيد الأنبياء و المرسلين، و على أهل بيته الطاهرين، و على من تبعهم إلى يوم الدين.

و بعد؛ منذ زمن غابر و اللغة قد استقطبت انتباه الباحثين، بحيث يمكننا الاستقصاء عن هذه الدراسات اللغوية، في تراث اليونان القديم، كما أن للهنود أيضاً حظاً في بناء هذا الصرح العظيم المتعالي. لكن إن نتصفح التاريخ متأملين منعطفات مسار الدراسات اللسانية و نقاط ارتكازها، نجد للعلماء المسلمين في العصر الإسلامي و ما بعده، نصيب الأسد؛ إذ تتميز دراساتهم كثرةً و بقاءً. ثم بتتبع هذا المسار نرد القرن العشرين الذي يكتظ بنظريات و مدارس لغوية تتصف بصبغة غربية؛ دراسات تنبثق جذورها عن بحوث تليدة، و إن تختلف في وجوها عنها.

تتميز هذه الدراسات بعضها عن بعض، في أهدافها المشوذة و في البواعث التي أثارها. أما من الوجوه التي يشترك فيها كل منها، فهي مسألة المعنى و فهمه، إذ اللغة ظاهرة اجتماعية، و وسيلة للتواصل بين أبناء المجتمع. هذه المسألة دفعت اللسانيين إلى اتخاذ آليات تزودوا بها في عملية فهم المعنى. إن السياقية هي إحدى هذه الآليات التي اكتسبت شهرة واسعة و صيتاً ذائعاً بين أخواتها. بغض النظر عن تسميتها بفكرة أو نظرية أو مدرسة، من جانب يمكننا تتبع آثارها في اللسانيات القديمة و الجديدة، و من جانب آخر نجد لها إنجازات باهرة في حيز التطبيق. بناءً على هذا، تأتي هذه الدراسة للتعقيب عن جذور السياقية في التراث اللساني القديم و خاصة في مجال النحو و البلاغة اللذين يخصّنا أكثر من غيرهما، و تبيينها في الدرس اللساني الجديد الذي أثار اهتمام الباحثين تجاه هذه الآلية ثانية. فالغاية التي تنشدها هذه الدراسة هي تبيين السياقية بمعناها القديم و الجديد منتهياً إلى خطة متكاملة نطبّقها على القرآن الكريم حتى نخرج من النظرية إلى حيز العمل فيتّضح دورها الأساس في استنباط المعنى من أخطر النصوص.

ثمة أسباب دفعني لاختيار هذا الموضوع أقواها تساؤلات كانت من دعوات بحثي في الماجستير، و هي عن الخلافات التي قد وقع فيها العلماء منذ زمن سحيق في فهم المعنى و خاصة في فهم القرآن الكريم. فبحثت عن الأسباب و وجدتها كثيرة، بعضها يتمحور حول المفسر، و الآخر ينبثق عن اللغة ذاتها. و زادني

دهشة كلام أمير المؤمنين عليه السلام لابن عباس لما بعثه للاحتجاج على الخوارج إذ يقول: «لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ، وَ لَكِنْ حَاجَّجَهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا» فتبدى لي سرّ قوله تعالى ﴿وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (البقرة ٢: ٢٦) و هو يقرّ أن القرآن الذي نزل ليكون سراج الهداية، يضلّ كثيراً من الناس لما كسبوا لأنفسهم الفسق. فصارت هذه التساؤلات حافزي للدراسة فبحثت عن الحل و رأيت أكمله في ما يسمّى بالسياق إذ يتناول آيات عدّة للإبحار في بحر المعنى الهائج.

و تقوم هذه الدراسة على أسئلة أهمها:

- ١- ما هو السياق و أنواعه و عناصره؟
- ٢- ما هي وجهات نظر رواد النحو و البلاغة تجاه السياق؟
- ٣- أين مسقط رأس السياقية في الدراسات الجديدة و مواطنها في الجهود اللسانية التالية؟
- ٤- ماذا أضافت السياقية على ما يمكن التنقيب عنه في التراث كفكرة السياق؟
- ٥- كيف يمكن توظيف هذه النظرية في عملية فهم المعنى و خاصة تطبيقها على أي الذكر الحكيم؟

و الفرضيات بالنسبة إلى هذه الأسئلة هي:

- ١- السياق هو كلّ ما يكتنف اللفظ الذي نريد فهمه من دوال أخرى، سواءً كانت لفظية كالكلمات التي تشكل مع اللفظ الذي نريد فهمه كلاماً واحداً مترابطاً، أو حالة كالظروف و الملابس التي تحيط بالكلام و تكون ذات دلالة في الموضوع. إذن يمكن تقديم تصانيف عدة للسياق من زوايا مختلفة، منها تقسيم السياق إلى اللغوي و هو يشمل مستويات اللغة و السياق النصي، و السياق غير اللغوي الذي يشتمل على سياق الموقف و بما فيه عناصر الخطاب، و السياق الثقافي.
- ٢- لقد اقتصرت النحاة و البلاغيون بنوعي السياق إلا أنهم ليسوا ملتزمين في تحليلاتهم بالسياق غير اللغوي دائماً، و هذا بسبب أن نظرتهم تجاه اللغة تعوم بين النظرة الاجتماعية و النظرة اللغوية المحضة. فكلّما اقتربوا من بعد اللغة الاجتماعي، زاد التفاتهم إلى عناصر الخطاب الخارجية، و كلّما

ابتعدوا عن هذا البعد، اضمحل دور هذه العناصر. إذن يتطلب رسم تخطيط متكامل لفكرة السياق التراثية، النظر إلى جهود القدماء كهيكلة مترابطة واحدة.

٣- نفخت البيوية روحاً جديدة في الدراسات اللغوية، إلا أن ارتكازها الشديد على اللغة المعزولة عن الملبسات الخارجية، أثار ضجة بين اللسانيين أدت إلى ظهور السياقية التي دعت إلى توظيف الملبسات الخارجية في تحليل اللغة. وهذه الفكرة استمرت في صميم التداولية و تحليل الخطاب و علم اللغة النصي.

٤- لو نجح آراء القدماء عن الخطاب اللغوي و الخطاب غير اللغوي، و خاصة ضمن النموذج الذي يقدمه حازم القرطاجني، نجد معظم الجهود اللسانية الجديدة في هذا الخصوص، يقتصر على محاولات في تأطير الفكرة و تبسيطها و تسمية عناصرها بمصطلحات متميزة. إلا أن الوجهتين تختلفان في الأهداف المبتغاة.

٥- يجزؤ كل من السياق اللغوي و غير اللغوي إلى مؤلفات مختلفة تستدعي قضايا كثيرة تجب مراعاتها في فهم المعنى. و يستنبط المعنى في ضوء جميع هذه المؤشرات. فلا تصح استقلالية بعضها عن بعض. إذن يجب أن تدرس كل هذه القضايا في عملية فهم المعنى من القرآن الكريم و هو نص.

تحقيقاً للأهداف التي تنشدها هذه الدراسة، اتخذنا منهجاً ينصب على البحث و المناقشة وفقاً لخطة الأطروحة التي قد جمعها العنوان و هو «السياق و دوره في عملية فهم النص دراسة نظرية تطبيقية في آي الذكر الحكيم» بين دفتيه. فالخطة تشمل: تبين السياق لغةً و اصطلاحاً و أنواعاً، فضلاً على التنقيب عنه في التراث اللغوي و استحضاره من الدراسات اللسانية الجديدة. و ثم توظيفه في عملية فهم النص، خاصة في مجال القرآن الكريم الذي يتميز من جانب بأعلى مستوى الفصاحة و البلاغة و من جانب آخر بخطورة المعنى الذي يستنبط منه. فانقسمت الدراسة بعد مقدمة إلى ثلاثة أبواب و خاتمة على الترتيب التالي:

قد اتخذت الدراسة في الباب الأول و عنوانه «المبادئ و الأصول» مناحي ثلاثة ضمن فصلين. المنحى الأول هي دراسة السياق لغةً و استكشاف معناه المركزي و معانيه الثانوية. و الثاني هي محاولة للكشف عن المعنى الاصطلاحي للسياق. و في هذا الخصوص لم نكتف بالتعريف بل درسنا مصطلح السياق في